

سبک ارتباطی اخلاقی رضوی در تعامل با پیروان ادیان با تکیه بر مناظرات امام علیه السلام

حیب رضا ارزانی *

حوریه ربانی اصفهانی **

چکیده

در فرهنگ و سیره رضوی که ترجمان وحی الهی است، ادیان آسمانی با همه جلوه‌های تاریخیشان ماهیت واحد دارند. با وجود این، تحریف ادیان از مسیر اصلی و حقیقی خود که در طول تاریخ و به دست حکام فرصت طلب صورت گرفته است، باعث شده تا در برخی از اصول از یکدیگر فاصله بگیرند. آنچه امروزه جهان بشری به شدت به آن نیازمند است، تعامل و گفت‌وگوی ادیان برای کم کردن فاصله‌های موجود، تألیف قلوب پیروان آن‌ها و یک‌سوم کردن حرکت انسان‌ها به سوی سعادت است. بر همین اساس، قرآن کریم خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ما تو را برای سعادت همه انسان‌ها مبعوث کردیم»؛ زیرا یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد دین اسلام، جهانی بودن و تعلق آن به

* - استادیار.

** - دانشجوی ارشد دانشگاه اصفهان.

همهٔ انسان‌ها از هر نژاد و آیینی است. امام رضا علیه السلام با توجه به موقعیت خاص خود در دوران ولایتعهدی، گامی مؤثر برای رفع اختلافات، آشکار ساختن نواقص موجود در ادیان تحریف‌شده و اثبات حقانیت اسلام برداشتند و می‌توان گفت ایشان از جمله شخصیت‌هایی هستند که باب گفت‌وگوی ادیان را در جامعهٔ اسلامی باز کردند. نمود بارز این پدیده را می‌توان در مناظرات امام با جاثلیق، رأس الجالوت، هربند، عمران صابی و عده‌ای از علما و سران برهمن مشاهده کرد.^۱

در این مقاله برآنیم تا با روش توصیفی تحلیلی، به بررسی سبک ارتباطی امام رضا علیه السلام با پیروان ادیان مختلف به‌ویژه سیرهٔ ایشان در مناظرات بپردازیم.

واژه‌های کلیدی

سبک ارتباطی، امام رضا علیه السلام، مناظره، تعامل، ادیان.

مقدمه

گفتگو با ادیان مختلف از عصر نبوی شروع شد و در عصر علوی ادامه یافت و سایر ائمه همچون صادقین علیهم السلام آن را پیش بردند، لیکن عصر رضوی دورهٔ اوج و ترویج فرهنگ گفت‌وگوی ادیان و تقریب مذاهب است. توفیق امام علیه السلام در این زمینه از چند منظر تأویل‌پذیر است.

از منظر سیاسی برای نخستین‌بار حکومت مسلط به سراغ امام علیه السلام رفته، در ظاهر خلافت و پس از آن ولایتعهدی را به امام علیه السلام پیشنهاد می‌دهد که به هر دلیل امام علیه السلام پیشنهاد دوم را می‌پذیرند.

۱- محمدبن علی بن حسین بن بابویه صدوق (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، قم، پیام علمدار، ۱۳۹۰ و نیز ابن منصور احمد بن علی، الاحتجاج، نجف: النعمان للطباعة و النشر، ۱۳۸۶.

از منظر فرهنگی، امام علیه السلام هفده سال از دوره امامت خود را در مدینه سپری می‌کنند و با آزادی نسبی به نشر معارف اسلامی و مذهبی می‌پردازند.^۱ آنچه بر اهمیت موضوع می‌افزاید شخصیت خاص مأمون است که به‌عنوان عالم‌ترین و علم‌دوست‌ترین خلفای عباسی معرفی شده و همو بود که به هر دلیل (خیر یا شر) کم‌نظیرترین مجالس مناظره و احتجاج را در مرو تشکیل می‌داد تا دانشمندان آیین‌ها و مذاهب مختلف، دیدگاه‌های خود را بیان کنند و برای اثبات باورهای خود به تلاش پردازند.^۲

رفتار و برخورد امام رضا علیه السلام نسبت به پیروان ادیان و فرقه‌های مختلف، عادلانه و عاقلانه و به دور از ظلم و تبعیض و مبتنی بر انصاف و انسانیت و مهرورزی بود، برای مثال یاسر خدمت‌گذار ایشان می‌فرمود: از نیشابور نام‌های به این مضمون به مأمون رسید که مردی زرتشتی هنگام مرگ وصیت کرده، ثروت زیادی را که از او باقی مانده است میان فقرا و بینوایان تقسیم کنند. قاضی نیشابوری نیز آن اموال را میان مسلمانان تقسیم کرده است. مأمون به امام رضا علیه السلام عرض کرد: ای سرور من در این موضوع چه می‌فرمایید؟ امام علیه السلام فرمودند: زرتشتیان برای بینوایان مسلمان وصیت نمی‌کنند، نامه‌ای به قاضی نیشابور بنویس تا همان مقدار از مالیات مسلمانان بردارد و به بینوایان زرتشتی دهد.^۳

بعد دیگری از الگوهای رضوی را باید در اخلاق و آداب مناظرات حضرت با سایر ادیان و مذاهب جستجو کرد؛ چه اینکه با تأمل در نوع

۱- نعمت‌الله صفری فروشانی، «تحلیلی بر قیام‌های علویان در دوران امام‌رضا و ارتباط آن با ولایت‌عهدی»، مجله شیعه‌شناسی، س ۷، ش ۲۶، تابستان ۱۳۸۸، ص ۵۸.

۲- همان، ص ۵۹.

۳- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۸۴.



بیان و ادبیات گفت و گوهای امام رضا علیه السلام می توان دریافت مذاکرات ایشان با سایر ادیان، فاقد هرگونه خودرأیی و چیره طلبی بوده و با مناظرات متداول که با تحقیر و قصد کوچک شماری و ساکت نمودن دشمن صورت می گرفته کاملاً متفاوت است. روش حضرت، بیان روشنگرانه معارف الهی و آزاد گذاشتن طرف مقابل در پذیرفتن یا نپذیرفتن است و نه تحمیل عقیده شخصی.^۱

سبک ارتباطی امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام نسبت به پیروان ادیان و فرقه های مختلف برخوردی مسامحه آمیز داشته اند که الگویی رفتاری در آداب معاشرت با غیر مسلمانان به شمار می آید. شیوه خاص حضرت در گفتگو با سران ادیان و مکاتب مختلف اقتضا می کرد ضمن احترام به عقاید، مقدسات و کتب آسمانی، ایشان با زبان منطق و مکتب خودشان آنها را قانع کنند. سلوک حضرت با عالمان مذاهب و سران ادیان به نحوی است که برخی از پیروان این فرقه ها به اشتباهات خود در مسائل اعتقادی و کلامی اعتراف نموده، گاهی با امام علیه السلام به مباحثه و مناظره می پرداختند و ایشان نیز با تساهل و تسامح و به دور از تعصب و سخت گیری به بحث می پرداختند. امام علیه السلام نه تنها با عالمان و خواص ادیان برخورد درست و شایسته ای داشتند بلکه نسبت به عوام و توده این فرقه ها نیز با رفق و مدارا رفتار می کردند.^۲

۱- ابن منصور احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، نجف: النعمان للطباعة و النشر، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۷۸ تا ۱۸۶.

۲- محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق (شیخ صدوق)، مالی، ترجمه محمد باقر کمره ای، تهران: کتابچی،



لطف و مدارای امام رضا علیه السلام در رفتار با غیر مسلمانان و حتی مخالفان به حدی است که راوی می گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: برای پدر و مادرم دعا کنم با این که حق امامان و آل پیامبر را نشناختند؟ امام علیه السلام فرمودند: به آنها دعا کن و صدقه برای آنها بده و اگر در قید حیات هستند و حق را نمی شناسند با آنها مدارا کن زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: مرا با رحمت مبعوث نمودند نه با درشتی و نامهربانی.^۱

در واقع الگوی رفتار ارتباطی فرهنگ رضوی با پیروان سایر ادیان، همزیستی مسالمت آمیز با آنهاست. امام رضا علیه السلام در روابط خود با پیروان دیگر ادیان و مکاتب، به این نکته توجه دارند که با ایجاد فضای آرام و مودت آمیز، می توانند با مخالفان عقیدتی خود به گفت و گو و جدال احسن پردازند. بی شک گنجینه احادیث پر بار پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام می تواند مکمل این الگوی رفتاری باشد؛ چه اینکه پیشوایان اسلام پیوسته به رعایت عدالت و انصاف، ادای حقوق و پرهیز از آزار و اذیت پیروان مذاهب توصیه می کردند، از جمله روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «من اذی ذمیا فقد اذانی»؛ هر کس به اهل ذمه (مسیحی، یهودی و زرتشتی که در پناه اسلام اند) آزار رساند، به من آزار رسانده است.^۲

مناظرات امام رضا علیه السلام

مناظره که امروزه در مباحث علمی و تبلیغی نقش زیادی دارد، در روش اهل بیت علیهم السلام دارای جایگاه روشنی است. در زمان امام رضا علیه السلام مأمون مجالس مناظره فراوانی را برپا کرد که از مهم ترین

۱- ابو محمد حرانی، تحف العقول، ج ۱، بی جا: آل علی، ۱۳۶۶، ص ۴۲۶.

۲- محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق (شیخ صدوق)، من لا یحضر الفقیه، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳، ص ۱۲۵.

اهداف آن لطمه زدن به موقعیت علمی امام رضا علیه السلام بود. مأمون که پیوسته شور و اشتیاق مردم نسبت به امام و اعتبار بی‌همتای آن بزرگوار را در میان ایشان می‌دید، می‌خواست تا این قداست و اعتبار را خدشه‌دار کند و از جمله کارهایی که برای رسیدن به این هدف انجام داد، تشکیل جلسات مناظره‌ای بین امام و دانشمندان علوم مختلف از سراسر دنیا بود، تا آن‌ها با امام به بحث پردازند، شاید بتوانند ایشان را از نظر علمی شکست داده و وجهه علمی امام را زیر سوال ببرند، که البته به جایی نرسیده و خود این جلسات باعث بالارفتن شناخت مردم از امام و نشر معارف اهل بیت بود.

امام رضا علیه السلام در مناظرات خود با گروه‌های مختلف، اهدافی را دنبال می‌کردند و برای رسیدن به آن هدف‌ها اصولی را به کار می‌بستند. از جمله اهداف امام رضا علیه السلام در مناظرات، رساندن مخاطب به فهمی روشن از موضوع بود به گونه‌ای که افراد به شکل آگاهانه‌تری به مباحث نگاه کنند و باعث رسیدن آن‌ها به این فهم انتقادی شود و ارتقای خودآگاهی فرد شرکت‌کننده را با راهکارهای ظریفی انجام می‌دادند. برای نمونه در مناظره امام با جاثلیق نصرانی، ایشان به او فرمودند:

«تو ای جاثلیق قائل هستی که شهادت عیسی در حق خودش بود که گفت: می‌گویم با شما ای گروه حواریین، صعود نمی‌کند به سوی آسمان مگر آنکه از آسمان نازل شده باشد غیر از من، مگر سوارشونده شتر که خاتم پیامبران است. همانا آن حضرت به جانب آسمان صعود می‌نماید و فرود می‌آید. پس چه می‌گویی در شهادت لوقا و مرقس و متی در حق عیسی و آنچه عیسی را بر آن نسبت دادند؟ جاثلیق عرض کرد: ایشان دروغ بستند بر عیسی، امام فرمودند: ای قوم، آیا جاثلیق از نخست، این علما را که اکنون می‌گویند دروغ بستند، تزکیه نکرد و گواهی نداد که ایشان علمای انجیل هستند و قول ایشان به حق و راستی است؟ جاثلیق عرض کرد: ای عالم مسلمانان دوست دارم که مرا از امر



این علما عفو کنی. امام فرمودند: تو را از این کار عفو کردم و از این مسئله در گذشتم اینک از هر چه دلت می خواهد پیرس ای جاثلیق»^۱

انگیزه و نیت امام رضا علیه السلام در انجام مناظرات

مناظرات حضرت رضا علیه السلام فراوان و متنوع است که بخش مهمی از این مناظرات را شیخ صدوق در کتاب *عیون اخبار الرضا علیه السلام* و مرحوم علامه مجلسی در جلد ۴۹ *بحار الانوار* و مرحوم طبرسی در جلد دوم *احتجاج نقل کرده اند*. همچنین در کتاب *مسند الامام الرضا علیه السلام* جلد ۲ نیز آمده است.

تک تک مناظرات حضرت دارای محتوای عمیق و عالی است و از نظر فن مناظره و طرز ورود و خروج در بحث‌ها پربار و راهگشا و آموزنده است. از مهم‌ترین اهداف امام در انجام این مناظرات می‌توان به اثبات نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، برگزیدگی عترت و اهل بیت علیهم السلام، برتری عترت، معصوم بودن ائمه علیهم السلام، مشخص نمودن مفهوم آل و ... دانست که به برخی از این مناظرات و اهداف آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. مناظره با جاثلیق

بخش اصلی و مهم این مناظره، مربوط به اثبات نبوت پیامبر اکرم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، در قسمتی از آن می‌خوانیم:

«جاثلیق گفت: آری، می‌پذیرم که یوحنا از مسیح علیه السلام نقل کرده است و بشارت به نبوت مردی و نیز بشارت به اهل بیت و وصیش داده است؛ اما نگفته است این چه زمانی واقع می‌شود و این گروه را برای ما نام نبرده است. حضرت فرمودند: اگر ما کسی را بیاوریم که انجیل را بخواند و آیاتی از آن را که نام محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتهش و امتش را

۱- محمد بن علی بن حسین بابویه صدوق (شیخ صدوق)، *عیون اخبار الرضا*، قم: پیام علمدار، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۴۰.



آن‌هاست، برای تو تلاوت کند، آیا ایمان به او می‌آوری؟ جاثلیق گفت: بسیار خوب.

حضرت به نسطاس رومی فرمود: آیا سفر سوم انجیل را حفظ داری؟ گفت: بلی، حفظ دارم. سپس حضرت به رأس الجالوت (بزرگ یهودیان) رو کردند و فرمودند: آیا تو هم انجیل می‌خوانی؟ گفت: آری، به جانم سوگند! فرمودند: سفر سوم را برگیر! اگر در آن ذکری از محمد و اهل بیتش بود، به نفع من شهادت بده و اگر نه، شهادت نده! سپس امام علیه السلام سفر سوم را قرائت کرد تا به نام پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. آن گاه متوقف شد و رو به جاثلیق کرد و فرمود: ای نصرانی! تو را به حق مسیح و مادرش می‌خوانم، آیا قبول داری که من از انجیل باخبرم؟ جاثلیق گفت: آری. پس حضرت نام پیامبر و اهل بیت علیهم السلام و امتش را برای او تلاوت کردند و سپس فرمودند: ای نصرانی! چه می‌گویی؟... جاثلیق گفت: من آنچه را وجود آن در انجیل برای من روشن شده است، انکار نمی‌کنم و به آن اعتراف دارم^۱

در جملات فوق، به خوبی حضرت رضا علیه السلام در کنار اثبات حقانیت نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امامت و وصایت امامان و اهل بیت عصمت علیهم السلام را نیز به اثبات رسانده است.

ب - مناظره با یحیی بن ضحاک سمرقندی

روزی مأمون گروهی از فقها و متکلمان را جمع کرد تا با امام رضا علیه السلام مناظره کنند. حضرت فرمود: شما یک نفر از بین خود انتخاب کنید و هر چه او گفت، شما ملتزم باشید! همه رضایت دادند که یحیی بن ضحاک سمرقندی که مانند او در خراسان نبود، انتخاب شود. آنگاه

۱- ابن منصور احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، نجف: النعمان للطباعة و النشر، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۴۰۵ تا ۴۰۶.

حضرت به مأمون رو کرد و فرمود: یحیی باید از پیشوایان خود برای من خبر دهد؛ آیا آن‌ها نسبت به خودشان دروغ گفتند یا راست گفتند؟

پس اگر اعتقاد او این است که آن‌ها نسبت‌های دروغ به خود داده‌اند، کذاب هستند و در نتیجه، لیاقت امامت [و خلافت] را ندارند و اگر عقیده‌اش این است که آن‌ها هر چه نسبت به خود گفته‌اند، راست گفته‌اند، پس اولی از آن‌ها (ابوبکر) گفت: «أَقِيلُونِي وَلَيْسَتْكُمْ وَكَلْتُمْ بِخَيْرِكُمْ؛ خلافت را از من پس بگیرید [و مرا معاف دارید! ولی و خلیفه شما شدم] در حالی که بهترین شما نیستم.» و دومی (عمر) گفت: «كَانَتْ بَيْعَةُ أَبِي بَكْرٍ فَلْتَةً وَقَى اللَّهُ شَرَّهَا فَمَنْ عَادَ لِمِثْلِهَا فَاقْتُلُوهُ؛ بیعت ابی بکر فتنه‌ای بود که خدا شرش را حفظ کند. پس اگر کسی دوباره چنان بیعتی انجام دهد، او را بکشید!»

... و کسی که قتلش واجب است، چگونه عهد [و توصیه] او برای غیرش (انتخاب عمر) پذیرفته می‌شود، در حالی که خود او گفت: برای من شیطان گمراه‌کننده‌ای است. پس هرگاه به من مایل شد، مرا نگه دارید! و اگر خطا کردم، ارشاد کنید!» پس اگر راست می‌گویند، امام و پیشوا نیستند و اگر دروغ می‌گویند، یحیی چه جوابی دارد!

ج - مناظره با جمعی از علمای عراق و خراسان

گروهی از علمای عراق و خراسان به امر مأمون، در جلسه‌ای گرد هم آمدند. از امام رضا علیه السلام نیز برای حضور در مناظره دعوت کردند که برخی نتایج آن مناظره به شرح زیر است:

- برگزیدگی عترت علیهم السلام
- معصوم بودن عترت علیهم السلام

- مراد از آل
- برتری عترت در قرآن
- مفهوم آیه مباهله
- دلیل بازماندن در خانه اهل بیت علیهم السلام به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله
- مفهوم آیه ذوی القربی
- مصداق آیه مودت
- مصداق آیه صلوات

اهمیت مناظرات امام رضا علیه السلام

مباحث علمی امام رضا علیه السلام با دانشمندان و فضلا و پیشوایان ادیان و فرقه‌های مختلف، از سوی مأمون ترتیب داده می‌شد تا از این طریق امام را در نظر عامه مردم کوچک کرده و با ناتوانی ایشان از پاسخ‌گویی از قدر و منزلت‌اش کاسته شود، در حالی که نتیجه به‌دست آمده از این مناظرات دقیقاً برعکس بود. تا جایی که مأمون در یکی از جلسات مناظره که حضور داشت با حیرت و تعجب به گفته‌های امام علیه السلام گوش فرا می‌داد و بی‌اختیار می‌گفت: «ما اعلم احدا افضل من هذا الرجل علی وجه الارض»^۱ من در زمین احدی داناتر از این مرد (علی ابن موسی الرضا علیه السلام) سراغ ندارم.

غلبه امام بر حریفان و طرف‌های مناظره با استناد بر کتاب‌های خودشان و بر اساس منطقی محکم و استوار، در نهایت به اثبات حقانیت و احیای اسلام، مجاب‌شدن مدعیان گوناگون، اثبات برتری و حقانیت ائمه اهل بیت علیهم السلام و پیروان و شیعیان آن‌ها منجر شد. در پی این مناظره‌ها بود که یکی از پویاترین کانون‌های علوم اسلامی، به ویژه شیعی، در

۱- ع. عطایی خراسانی، پرتوی از زندگی امام علی ابن موسی الرضا، ج ۱، مشهد: طوس، ۱۳۴۹، ص ۳۰۹.



خراسان پاگرفت و در دوره‌های بعد، به ایفای نقشی حیاتی در پاسداری از اسلام و تشیع و ترویج آن پرداخت. امام رضا علیه السلام با استفاده از مناظرات توانستند مسائل علمی، فقهی، مذهبی و بسیاری از مسائل دیگر را از دید اسلام بیان کنند.

ارزش هرچه بیشتر این مناظره‌ها، به‌ویژه با استناد بر کتب مقدّسی همچون تورات، انجیل و زبور، زمانی به‌خوبی روشن می‌شود که به اوضاع شگفت‌حاکم بر منطقه عمومی خراسان بزرگ از نظر تنوع فرقه‌ها و نحله‌های دینی و مذهبی گوناگون و چالش‌هایی که از این ناحیه متوجه اسلام و جامعه مسلمانان بود، توجه شود.

موقعیت امام رضا علیه السلام با سایر ائمه متفاوت بود. در زمان حضرت، آزادی عمل نسبت به سایر ائمه زیاد شد، فضای سیاسی از خفقان درآمده بود و مباحث علمی در زمان ایشان به اوج رسید. به دلیل آزادی عمل که در زمان امام رضا علیه السلام وجود داشت، عده زیادی مدعی فرقه‌های جدیدی شدند و لذا کار را برای حضرت سخت‌تر کردند. از جمله مذهبی به نام صابی که در این دوران شکل گرفت و چهارمین مناظره امام رضا علیه السلام نیز با همین گروه انجام شد.

این فرقه‌ها درصدد این بودند که مسیر حرکت شیعیان را تغییر دهند و آنان را با سیل اعتقادی نابود سازند؛ ولی امام علیه السلام خیلی هوشمندانه با توجیه‌های علمی و مذهبی توانست دسیسه این گروه را خنثی کند.

در زمان امام رضا علیه السلام به دستور مأمون، کتب فلسفی ترجمه شد. بعد از ترجمه این کتب، بسیاری از افراد نمی‌توانستند مطالب را تحلیل کنند؛ لذا شبهات زیادی برایشان ایجاد می‌شد. در اینجا نیز امام پاسخگوی این شبهات بودند، در واقع ایشان با شیوه‌ای بسیار ظریف، ابتدا بحث را هدایت نموده و به گونه‌ای که طرف مقابل خود به نتیجه برسد، باعث ایجاد درک متقابل و فهم صحیح در او می‌شدند.

امام رضا علیه السلام در مناظرات، اصولی را به کار می بردند که به برخی از آن اصول اشاره می کنیم.

۱. استفاده از سخن نرم و آهنگ گرم:

از حضرت علی علیه السلام روایت شده که «إِنَّ مِنَ الْعِبَادَةِ لِبَيْنَ الْكَلَامِ»^۱ بخشی از عبادت مسلمان، دلنشین سخن گفتن اوست. امام رضا علیه السلام در مناظرات، این روش را به کار می گرفتند و برای تأثیر هرچه بیشتر سخن در طرف مناظره خود و رسیدن به درک همدلانه با او، همواره مطالب را نرم، ملایم و در قالبی موزون ادا می کردند و از معانی و مفاهیم تند، رنج آور و ناراحت کننده خودداری می نمودند. مهم تر اینکه سخن نرم و ملایم ایشان همراه با ادب و دربردارنده جنبه های تربیتی و سازنده بود. به وضوح می توان در مناظرات ایشان شاهد بود که صحبت های وی چنان در مخاطب اثر می گذاشت که وقتی آن حضرت صحبت هایشان پایان می یافت، مخاطب مشتاقانه به شنیدن مطالب بیشتر اصرار می کرد. برای مثال سلیمان مروزی که یکی از مناظره کنندگان بود، پس از پاسخ امام درباره بدهاء (پشیمان شدن از کاری) مشتاقانه از امام خواست که درباره آن بیشتر بگویند.^۲

۲. دعوت به شروع مناظره

اولین مرحله مشهود در فرایند مناظراتی امام رضا علیه السلام، دعوت ایشان از دیگران برای مباحثه است و امام همواره مناظره را چنین آغاز می کردند. برای نمونه در مجالس مختلف، چنین می فرمودند: «اگر کسی

۱- عبدالواحد بن محمد آمدی تمیمی، شرح بارع جمال الدین محمد خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، با تصحیح جلال الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶، ج ۱،

۲- محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، قم: پیام علمدار، ۱۳۹۰، ص ۱۵۴.

بین شما هست که می‌خواهد سؤال کند، بدون خجالت و رودربایستی پرسد.^۱

این شیوه رفتاری امام موجب می‌شد که طرف مقابل بدون هیچ واژه‌ای سؤال کند. از جمله در مناظره امام با عمران صابی ایشان فرمودند: «اگر در بین شما کسی مخالف اسلام هست و می‌خواهد سؤال کند، بدون اینکه غضبناک شود سؤال کند.»^۲

۳. رعایت حد انصاف در گفتار

امام رضا علیه السلام به رعایت عدالت و حد انصاف در بحث، بسیار سفارش می‌کردند، به گونه‌ای که اگر بنا بود با کسی مناظره داشته باشند، پیش از آغاز مناظره از طرف مناظره خود می‌خواستند که به عدالت در بحث توجه داشته باشد. برای مثال ایشان در پاسخ به درخواست عمران صابی برای سؤال کردن، فرمودند: «سؤال کن، اما عدالت را از دست نده و از کلمات ناموزون و انحراف از اصول انصاف پرهیز.»^۳

۴. مخاطب‌شناسی

از مهمترین شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی، مخاطب‌شناسی به معنای تکلم به میزان عقل و فهم مخاطب است؛ یعنی با درک صحیح از تفاوت استعدادها و توان وجودی انسان‌ها، بدون ورود به مباحث پیچیده علمی و تعرض به ظرافت‌های فنی و تخصصی، به پاسخگویی مشکلات و معضلات فکری و عقیدتی پرداخته شود. در این زمینه امام

۱- همان.

۲- محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق (شیخ صدوق)، *عیون اخبار الرضا*، قم: پیام علمدار، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴.

۳- سید محمد مرتضوی، *نهضت کلامی در عصر امام رضا علیه السلام*، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.

بسیار دقیق بوده و با تشخیص ضرورت، در مقابل برخی از مخاطبان صرفاً به پاسخی اقتناعی اکتفا می‌کردند و از بیان پاسخ عمیق علمی خودداری می‌فرمودند. برای نمونه در پاسخ به سؤال فردی که می‌گفت خدا دو تاست فرمودند: «این که تو می‌گویی خداوند دو تا است، خود دلیل یکتایی است؛ زیرا تو دومی را نمی‌خوانی مگر آنکه اولی را اثبات کنی، پس دربارهٔ اولی همگان توافق دارند؛ ولی محل اختلاف است.»^۱ در واقع در این پاسخ، امام علیه السلام با توجه به فهم سؤال کننده، بر نفی و انکار خدای دومی برهان اقامه نکرده و فقط به اثبات خدای واحد و شک در دومی بسنده می‌کنند.

۵. رعایت ارتباط معنایی در گفتار و جمع‌بندی مناسب

امام رضا علیه السلام در مناظرات علمی با تکیه و تأکید بر این اصل که مناظره هنگامی برای طرف مقابل فهمیدنی است که سخن، مفید، جهت‌دار، دسته‌بندی‌شده و دارای تحلیل نهایی باشد، ایشان با سخنان خود مخاطب را مجذوب می‌کردند. برای نمونه، هنگامی که عمران صابی از امام خواست که از نخستین وجود و مخلوقاتش با او سخن بگوید، ایشان پاسخ را با این مقدمه آغاز کردند:

«واحد همیشه واحد بوده، همیشه موجود بوده، بدون اینکه چیزی همراه او باشد، بدون هیچ‌گونه حدود و اعراضی، و همیشه همین‌طور خواهد بود، سپس بدون هیچ سابقهٔ قبلی، مخلوقی را با گونه‌ای دیگر آفرید، با حدود مختلف، نه آن را در چیزی قرار داد و نه در چیزی محدود نمود و نه آن را مانند چیزی ایجاد کرد و شبیهی برای او قرار نداد و سپس مخلوقات را به صورت‌های مختلف از جمله خالص،

۱- محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق (شیخ صدوق)، *التوحید*، قم: مکتب الصدوقی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۹.



ناخالص، مختلف و یکسان با رنگ‌ها و طعم‌های متفاوت آفرید، بدون آنکه نیازی به آن‌ها داشته باشد یا برای رسیدن به مقام و منزلتی به این خلقت محتاج باشد و در این آفرینش در خود زیادی یا نقصانی ندید»^۱ در ادامه به تجزیه و تحلیل مباحث پرداخته و چنین نتیجه‌گیری می‌کنند:

«... خداوند متعال مخلوقات را از روی احتیاج نیافریده است، بلکه با آفرینش مخلوقات از یکی به دیگری منتقل می‌نماید و بعضی را بر بعضی دیگر برتری می‌دهد یا بخواهد از آن دیگری که زیر دست قرار گرفته انتقام بگیرد، علت آفرینش است.»^۲

۶. ایجاد فضای نقد در مناظره

بر اساس روش به کار گرفته شده توسط امام رضا علیه السلام در مناظرات به این نتیجه می‌توان رسید که مناظره مستلزم نقد است؛ یعنی وقتی مناظره‌کننده موضع انتقادی داشته باشد، خود را متعهد و ملزم به پرسیدن و توجه دقیق به تمام موضوعات می‌داند. البته این امر مستلزم نگرش باز به مسایل و آمادگی برای بازاندیشی درباره چیزی است که تاکنون مسلم و درست می‌دانسته‌اند. آمادگی ذهنی مناظره‌کنندگان در این فضای باز فکری، به معنای آمادگی برای متقاعدشدن و تغییر دیدگاه‌های خود در صورت مواجهه با مباحث متقاعدکننده است. البته نباید انتظار داشت که همه در بحث به توافق برسند؛ زیرا توافق نداشتن به ادامه بحث و شکافته شدن ظرایف و دقایق بیشتر منجر می‌شود.

برای مثال در قسمتی از مناظره امام با سلیمان مروزی، متکلم خراسان در رابطه با توحید چنین می‌بینیم:

۱- محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق (شیخ صدوق)، *عیون اخبار الرضا*، قم: پیام علمدار، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴.

۲- همان، ص ۱۴۵.

«سلیمان گفت: نظر شما درباره‌ی کسی که اراده را مانند حی، سمیع، بصیر و قدیر اسم و صفت می‌داند چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: شما می‌گویید اشیا پدید آمده‌اند و با یکدیگر تفاوت دارند، چون او خواسته و اراده کرده است و نمی‌گویید اشیا پدید آمده‌اند و با یکدیگر تفاوت دارند، چون او سمیع و بصیر است. این دلیلی است بر اینکه آن‌ها مثل سمیع و بصیر و قدیر نیستند. سلیمان گفت: او از اول و ازل مرید بوده است، امام رضا علیه السلام فرمودند: ای سلیمان آیا اراده‌اش چیزی غیر از اوست؟ گفت بله. حضرت فرمودند: پس ثابت کرده‌ای که چیزی غیر از خودش همیشه با او همراه است، سلیمان گفت: نه چیزی همراه او نیست و...»^۱

۷. سخن کوتاه و پرمغز و اجتناب از زیاده‌گویی

دراز‌گویی در مناظره از لحاظ روحی روانی تأثیر مثبتی بر بحث نخواهد داشت و چه بسا نتیجه‌ی عکس داشته باشد. هنگام پرسش یا پاسخ باید سخن کوتاه و پرمغز باشد و وقتی می‌توان با جمله‌ای مطلب را منتقل کرد، نیازی به استفاده از جملات طولانی و تکراری نیست. برای نمونه امام رضا علیه السلام در پاسخ به سلیمان مروزی، درباره‌ی شأن نزول آیه «ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم»^۲ به‌طور مختصر فرمودند: «در شب قدر خداوند عزوجل همه چیز را از امسال تا سال آینده، از مرگ و زندگی، خیر و شر و رزق و روزی، همه را مقدر می‌فرماید، آنچه خداوند در آن شب مقدر نماید، محتوم و قطعی است»^۳ تنها در صورتی

۱- محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق (شیخ صدوق)، *عیون اخبار الرضا*، قم: پیام علمدار، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶.

۲- قدر، ۱.

۳- محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق (شیخ صدوق)، *عیون اخبار الرضا*، قم: پیام علمدار، ۱۳۹۰،

ص ۱۵۵ و ۱۵۶.



امام به تفصیل سخن می‌گفتند که طرف مناظره با پرسش‌های متفاوت، خواهان فهم دقیق مطلب به واسطه توضیح و تفصیل بوده است. ادامه مطلب بالا که سلیمان تقاضای توضیح بیشتری می‌کند، مؤید این ادعا است.

۸. مناظره با هر گروه به زبان خودشان

طبق اسناد تاریخی و روایی معتبر، حضرت رضا علیه السلام به زبان‌های مختلف آشنایی کامل داشتند و با زبان متداول و رسمی هر قوم و آیینی با آن‌ها گفت‌وگو می‌کردند.^۱ در حدیثی امام رضا علیه السلام می‌فرمودند: «حدثوا الناس بما يعرفون و امسکوا عما ینکرون»^۲ «از آنچه مردم می‌توانند درک کنند و بشناسند سخن بگوئید و از آنچه نمی‌توانند درک و باور داشته باشند خودداری کنید.»

ابوصلت هروی می‌گوید: حضرت رضا علیه السلام با افراد به زبان خودشان گفت‌وگو می‌کرد و به خدا قسم فصیح‌ترین مردمان و عالم‌ترین اشخاص به هر زبان و لغتی بود. روزی به آن حضرت عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! من در شگفتم از این که شما به تمامی لغات با اختلافاتی که دارند این‌طور تسلط و آگاهی دارید. امام فرمودند: ای پسر صلت، من حجت خدا بر بندگان اویم و خداوند حجتی بر قومی بر نمی‌انگیزد که زبان آنان را نفهمد و لغاتشان را نداند، آیا این خبر به تو نرسیده که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: به ما نیروی داوری و سخن قاطع داده شده است. آیا این نیرو جز آگاهی به هر لغتی است؟^۳ مناظره مشهور امام در بصره با عالمان و سران ادیان و مذاهب، مؤید این مطلب است. شخصی به نام عمرو بن هذاب به امام عرض کرد: «محمد بن فضل

۱- همان.

۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳.

۳- محمدبن علی بن حسین بن بابویه صدوق (شیخ صدوق)، عیون اخبارالرضا، قم: پیام علمدار، ۱۳۹۰، ص ۱۳۳.

مدعی است که شما به آنچه خدا نازل کرده است عالم‌اید و با هر لغت و زبانی آشنا هستید؟ امام فرمود: او راست گفته است، می‌توانید امتحان کنید. عمر بن هداد گفت قبل از هر چیز دربارهٔ آشنایی با زبان‌ها و لغات مختلف تو را می‌آزمایم، ما افرادی از زبان‌های مختلف رومی، هندی، فارسی و ترکی در این جا حاضر داریم تا با شما در این باره سخن بگویند. امام فرمودند: هر چه دوست دارند به زبان خود پرسند، ان‌شاءالله پاسخ خواهم داد. به دنبال اعلام آمادگی حضرت، هر یک از افراد مسئله‌ای به زبان خود پرسیدند و حضرت نیز به زبان آنان به تمام مسائل پاسخ داد، به طوری که مایهٔ تعجب و حیرت مردم گردید و همهٔ آنان اعتراف کردند که حضرت نسبت به زبان آنان از خودشان آشناتر است.^۱ از این رو حضرت به استعداد و درک مخاطب توجه ویژه‌ای داشته و برای فهم بهتر با هر یک به زبان خود آن‌ها مباحثه می‌کرده‌اند.

۹. مناظره با سخنان معتبر و مدلل

احتجاج در بحث باید مدلل باشد؛ یعنی بیان مطالب، اخبار و آمار باید معتبر و مستند باشد و از مطالب دروغ و بی‌اساس که با منطق و عقل سازگار نیست، خودداری شود. به موجب این اصل، نقل مطلب دروغ و ضعیف، علاوه بر اینکه از نظر اخلاقی درست نیست، ارزش مطلب و حیثیت گوینده را نیز خدشه‌دار می‌کند. امام رضا علیه السلام در مناظرات خویش به این مقوله توجه ویژه‌ای داشتند و سعی می‌کردند تا با سخنان و دلایل موجه، مخاطب را قانع کنند. برای نمونه امام در مناظره با هرزد، بزرگ زرتشتیان از وی سؤال کردند: «دلیل تو برای پیامبری زرتشت چیست؟ او گفت: چیزهایی آورده که قبل از او کسی نیاورده است، البته ما، خود او را ندیده‌ایم؛ ولی اخباری از گذشتگان ما در دست است که او

چیزهایی را که دیگران حلال نکرده‌اند، بر ما حلال کرد، پس ما او را پیروی می‌کنیم. حضرت فرمودند: مگر نه این است که، به‌خاطر اخباری که به شما رسیده از او پیروی می‌کنید، گفت: بله، همین طور است. حضرت فرمودند: سایر امت‌های گذشته نیز همین طور هستند، اخباری مبنی بر دین پیامبران و موسی، عیسی و محمد صلی الله علیه و آله به دستشان رسیده است، عذر شما در ایمان‌نیاوردن به آنان چیست؟ و به چه دلیل در این امور به کسانی غیر از آنان ایمان آوردید؟ هر یک متعجب شد و سکوت کرد.^۱

۱۰. ارجاع به منابع مورد توافق

شیوه خاص حضرت در گفت‌وگو با سران ادیان و مکاتب مختلف، اقتضا می‌کرد ضمن احترام به عقاید، مقدسات و کتب آسمانی ایشان با منطق و مکتب خودشان آن‌ها را قانع کند. این مطلب از فحوای کلام خود امام فهمیده می‌شود که می‌فرمودند: «من با اهل تورات به توراتشان، با اهل انجیل به انجیلشان، با موبدان به شیوه پارسی‌شان، با رومیان به روش خودشان و با اهل بحث و گفت‌وگو به زبان‌های خودشان استدلال کرده، همه را به تصدیق خود وا می‌دارم ...»^۲.

امام در مناظرات خود به این مقوله توجه شایانی داشتند و ضمن بیان مطلبی، منبع آن را ذکر می‌کردند، چنان‌که خود در تأکید این موضوع می‌فرمودند: «آیا منصف‌ترین افراد کسی نیست که در مناظره با خصم خود با کتاب و پیامبر شریعت او به مناظره برخیزد.»^۳ حتی گاهی ایشان مخاطب بحث را در حین بحث مستقیم به منبع رجوع می‌دادند. برای نمونه در مناظره با رأس الجالوت از او پرسیدند: «آیا مطالب مربوط به

۱- محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق (شیخ صدوق)، *عیون اخبار الرضا*، قم: پیام علمدار، ۱۳۹۰، ص ۱۴۳.

۲- علی بن عیسی اربلی، *کشف الغمّة فی معرفة الاثمة*، با مقدمه ابوالحسن شعرانی، قم: ادب الحوزه، ج ۳، ص ۱۰۵.

۳- سید محمد مرتضوی، *نهضت کلامی در عصر امام رضا*، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.



حزقیل پیامبر را در تورات دیده است؟ ... که پنج هزار نفر را پس از گذشت شصت سال از مردنشان زنده نمود؟» و در همین مناظره برای اثبات نبوت حضرت رسول ﷺ یک بار وی را به کتاب اشعیا و بار دیگر به زبور داود رجوع داد. این سه ارجاع با تصدیق رأس الجالوت همراه بود^۱ یا در پاسخ به جاثلیق نصرانی که به مأمون گفته بود: «چگونه با کسی بحث کنم که به کتابی استدلال می کند که آن را قبول ندارم و به گفتار پیامبری احتجاج و مناظره می کند که به او ایمان ندارم. حضرت فرمودند: ای مرد مسیحی اگر از انجیل برای تو دلیل بیاورم، می پذیری؟ او جواب داد: آیا می توانم مطالبی که در انجیل آمده را رد کنم؟»^۲

۱۱. تأکید بر متد عقلانی

ایجاد فضای مناسب علمی به منظور طرح اندیشه و آرای مختلف و مخالف، یکی از موارد عمده تأثیرگذاری بر نگرش صحیح مسلمین به علم و عقاید حقه دینی است که از سوی امام انجام می گرفت؛ زیرا چنان که مستحضرید جامعه اسلامی در معرض انواع اندیشه های صحیح و غیر صحیح بود. در این وضعیت اگر بطلان این اندیشه ها محرز نمی شد، در صد تأثیر پذیری از آنها بالا می گرفت و لذا موقعیت زمانی چنین اقتضا می کرد که فضای مناسب برای طرح اندیشه های مخالف ایجاد شود و نقد و بررسی آنها صورت گیرد و چنین رویه ای را امام علیه السلام با جدیت، عملی کردند و خودشان با فضا سازی مناسب برای بیان آزادانه اندیشه های مخالفین به نقد و بررسی عقلانی آنها پرداختند و همین عملکرد بر نگرش مسلمین در خصوص تحقیق در آموزه های

۱- محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق (شیخ صدوق)، *عیون اخبار الرضا*، قم: پیام علمدار، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷.

۲- سید محمد مرتضوی، پیشین.

دینی و علمی یا فرضیه‌های ارائه‌شده که قابلیت بحث و نظر را داشتند، به شدت تأثیر گذار بود.

تأثیر دیگر روش امام، القای این مطلب بود که دفاع از هر قضیه‌ای بایستی مبتنی بر اصول و متد عقلانی باشد. دفاع عقلانی از اعتقاد، امری بود که امام در مواضع مختلف آن را به‌عنوان بهترین روش دفاع از اعتقاد، تأکید می‌کردند. با تأکید امام بر این مهم، راه هرگونه مغالطه و سفسطه و مجادله در مناظرات و دفاعیات بسته شد، نتیجه آن هم این بود که جامعه علمی در شناخت و پذیرش اندیشه‌های مختلف، اول به ارزیابی عقلانی و منطقی آن‌ها می‌پرداخت و پس از آن، بطلان بسیاری از فرقه‌ها و اندیشه‌های انحرافی، روشن می‌شد؛ یعنی نگرش علمی اهل علم به اینجا رسید که دفاع یا رد اعتقاد یا اندیشه‌ای باید از طریق اصول و متد عقلانی باشد، لذا از همین طریق هم عمل می‌شد و به نتایج مهمی می‌رسیدند و این هم از کرامات امام علیه السلام بود.

۱۲. تأکید بر سؤال از مخاطب

در رفتار مناظره‌ای امام رضا علیه السلام بر پرسش از مخاطب بسیار تأکید شده است. چنان‌که در مباحثات مشهود است مخاطبان معمولاً سؤال‌های خود را در یک عبارت و حداکثر در چند عبارت کوتاه بیان می‌داشتند که عمدتاً جامعیت نداشتند؛ اما امام سعی می‌کردند، با سؤال از مخاطب، جنبه‌های مختلف سؤال را مشخص کرده و علاوه بر آن مخاطب را وادار به تفکر و تعمق بنمایند؛ چراکه در مناظره، هدف تکامل ذهنیت مخاطب از موضوع یا مشکل مطرح شده است، نه صرفاً پاسخگویی. برای این کار با پرسش، ابتدا برای مخاطب روشن می‌شد که منظور از سؤال او چیست و سپس به پاسخ پرداخته می‌شد؛ زیرا در صورت مشخص نشدن کامل مفهوم سؤال، هرچند پاسخ صحیح داده می‌شد، مجدداً شبهه



دیگری برای فرد مطرح می‌شد که حاصل ناقص مطرح‌شدن سؤال می‌بود. برای مثال در مناظرهٔ امام با عمران صابی، عمران از ایشان پرسید:

«آقای من، کسی که موجودات را آفریده، با آفرینش آن‌ها تغییری در کارش ایجاد می‌شود و حالش دگرگون می‌شود؟ امام علیه‌السلام فرمودند: آیا دیده‌ای تغییر آتش آن را تغییر دهد؟ یا دیده‌ای که حرارت خودش را بسوزاند؟ یا هیچ دیده‌ای که شخص بینا، بینایی خود را ببیند؟ عمران گفت: نه ندیده‌ام سرورم! آیا خدا در مخلوقات است یا مخلوقات در او؟ امام علیه‌السلام فرمودند: ای عمران او برتر از این حرف‌هاست، نه او در مخلوقات است و نه مخلوقات در اویند، برتر از این حالت است، بگو آیا تو در آینه هستی یا آینه در تو؟ اگر هیچ کدام در دیگری نیستید، چگونه خودت را در آینه می‌بینی؟»^۱

۱۳. حق آزادی برای فکر و بیان

از دیگر شاخص‌های فرهنگ رضوی در ارتباط با ادیان، سعهٔ صدر امام و احترام به حقوق طبیعی مخاطبان، به‌ویژه آزادی فکر و بیان است. حضرت نه تنها به لحاظ فکری و نظری بلکه به لحاظ علمی و سلوک رفتاری نیز چنین بوده است. احترام همراه با رفق و مدارا در مناظرات با سران ادیان و مذاهب، مؤید این مطلب است. برای نمونه امام در یکی از مناظرات بصره به یکی از یارانشان فرمودند: «تمام کسانی که در جلسهٔ محمدبن فضل حاضر بودند و بقیهٔ شیعیان ما را دعوت کن، جاثلیق مسیحی و رأس الجالوت یهودی را نیز فراخوان و از آن‌ها بخواه که در جلسه هر چه می‌خواهند، بپرسند.»^۲

ایشان نسبت به اهل عناد سخت‌گیر بودند؛ اما هرگز به کسی صرفاً به سبب عقاید خاص توهین نمی‌کردند و او را استهزا نمی‌نمودند و تا آنجا

۱- محمدبن علی بن حسین بن بابویه صدوق (شیخ صدوق)، *عیون اخبار الرضا*، قم: پیام علمدار، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷.

۲- محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسهٔ الوفاء، ۱۴۰۳، ج ۴۹، ص ۷۲.



که با اهداف و روح کلی اسلام (تشیع) ناسازگار نباشد، دست دوستی به سوی ادیان و مکاتب دراز می‌کردند.^۱

۱۴. درس عملی بر اجرای فرایض

در مناظره با عمران صابی هنگامی که زمان نماز فرا رسید، در حالی که زمینه برای پذیرش، در عمران آماده شده بود، امام علیه السلام از ادامه مناظره خودداری کردند و برای اقامه نماز آماده شدند. عمران از بیم آنکه مناظره بین او و امام از سر گرفته نشود، اظهار داشت: آقای من! رشته گفت‌وگو را قطع نکن؛ زیرا قلب من با تو سازگار است (و برای پذیرش کلامتان نرم شده‌ام). امام علیه السلام به او وعده دادند که مناظره را بعد از نماز پی می‌گیرد.^۲

۱۵. استفاده از تمثیل در تفهیم مطلب

امام رضا علیه السلام در آغاز عرصه احتجاج، در برخی از بحث‌های مربوط به توحید که از درک محسوس بشری فراتر بودند با استفاده از مثال‌های ساده و فهمیدنی که در صحنه زندگی ملموس و محسوس بود، استدلال خود را استوار می‌کردند و مجال شک و تردید برای خصم باقی نمی‌گذاشتند؛ سپس با عرضه استدلال‌های عقلی و کلامی به تفصیل و تعمیق بحث می‌پرداختند.

گفت‌وگوی عمران صابی با امام علیه السلام نمونه این مدعاست. عمران صابی از حضرت پرسید: ای مولای من! آیا خداوند قبل از آفرینش موجودات ساکت بوده و سخن نمی‌گفت و سپس تکلم را آغاز کرد؟

۱- سید مهدی میردآشی، حدود ارتباط با کافران، قم: مرکز پژوهش‌های صداوسیما، ۱۳۸۳، ص ۶۷.

۲- محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، قم: پیام علمدار، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷.



امام رضا علیه السلام فرمودند: سکوت معقول نیست، مگر آنکه پیش از آن، نطقی صورت گرفته باشد. به عنوان مثال گفته نمی‌شود: «چراغ ساکت است و سخن نمی‌گوید» (همچنانکه) گفته نمی‌شود: «چراغ با اراده خود به ما روشنایی می‌دهد»؛ زیرا روشنایی فعل ارادی آن نیست و چراغ ماهیتی به غیر از روشنایی ندارد. وقتی چراغ روشن شد می‌گوییم: چراغ روشن است و ما از روشنایی آن برخوردار هستیم و از آن فروغ و پرتو می‌گیریم. با این مثال حقیقت مطلب برای تو واضح می‌شود.

عمران گفت: سرورم! من بر این باور بودم که خداوند با آفرینش خلق تغییر یافته است و در حال او دگرگونی پدید آمد. (پس از سکوت به نطق تحول یافت) امام علیه السلام فرمود: ای عمران! اینکه بگویی خداوند به گونه‌ای دچار تغییر شده، یعنی از آنچه خارج از ذات مقدس اوست متأثر گردید و تحول یافت، محال است. ای عمران! آیا دیده‌ای که تغییر آتش موجب دگرگونی ذات او گردد؟ یا می‌پنداری که گرما خود را می‌سوزاند (و خود را دچار تغییر می‌کند)؟ یا می‌پنداری که بیننده‌ای در حین رؤیت، بتواند دیدگان خود را ببیند؟ عمران گفت: نه! چنین باور نداشته و چنین امری را ندیده‌ام.

سپس عمران پرسید: آقای من! مرا آگاه فرما که آیا خداوند درون مخلوقات جای دارد یا مخلوقات درون اویند؟ امام علیه السلام فرمودند: ای عمران! خداوند برتر از آن است که می‌گویی؛ خداوند نه درون خلق است و نه خلق درون او و خداوند برتر از آن است. اینک من رابطه‌ی خداوند با مخلوقات را به تو می‌آموزم و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

(ای عمران!) اکنون به من بگو آن هنگام که عکس تو در آینه منعکس می‌شود تو در آینه‌ای یا آینه در توست؟ اگر هیچ یک درون دیگری نیست، چگونه به انعکاس عکس خودت در آینه استدلال می‌کنی؟ (کدام سبب، موجب می‌شود تصویر خود را در آینه بنگری؟)

عمران پاسخ داد: با آن پرتو و روشنایی که بین من و آینه وجود دارد. امام رضا علیه السلام فرمودند: آیا پرتوی که در آینه می‌بینی بیش از پرتوی است که در چشم خود می‌بینی؟ عمران گفت: آری. امام علیه السلام فرمودند: آن را نشانم بده. عمران دیگر نتوانست پاسخی بدهد. امام علیه السلام فرمودند: نتیجه آنکه نور است که نه در آینه است نه در تو؛ بلکه چیزی است جدا که شما را به یکدیگر مربوط ساخته است (و هم تو را و هم آینه را نشان می‌دهد). البته برای توضیح این حقیقت، مثال‌های دیگری وجود دارد که افراد نادان را راهی بدان نیست. (وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى)^۱

نتیجه‌گیری

۱. قبل از انجام این مناظرات (امام رضا علیه السلام)، رهبران ادیان مختلف چه توحیدی و چه غیر توحیدی و نیز سایر مذاهب و مکاتب اسلامی و غیر اسلامی، مدعی برتری آیین خود بودند که با توجه به شکستی که در این مبارزات علمی متحمل شدند، بر آن‌ها ثابت شد که این ادیان و مذاهب قابلیت پیروی ندارند و دین اسلام و مذهب حقهٔ تشیع بهترین مکتب کلامی است.

۲. با انجام این مناظرات و باز شدن دروازهٔ حقایق به روی صاحبان نحله‌های مختلف کلامی، آن‌ها دریافتند که اسلام ناب در اختیار آنان نیست و باید اسلام ناب را از اهل بیت علیهم السلام دریافت کنند.

۳. بر عموم مسلمانان و غیر مسلمانان ثابت شد، اسلام که مدعی است دین برتر و جاودانه است، فقط در حد شعار نیست، بلکه در مقام اثبات و

۱- محمد بن علی بن حسین بن بابویه صدوق (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، قم: پیام علمدار، ۱۳۹۰، ص ۱۴۰ تا ۱۴۷.

مناظره با مخالفان از ادیان و مذاهب دیگر، می‌تواند این حقیقت را به اثبات برساند.

۴. امام علیه السلام در این جلسات، روح آزادمنشی اسلام و وسعت نظر در بحث را به همگان نشان دادند و ثابت کردند که اسلام برخلاف گفته بدخواهان و دروغ‌پردازان با زور سرنیزه و شمشیر به مردم جهان تحمیل نشده است و پیشوای بزرگ اسلامی به مخالفان خود اجازه می‌دهد، هرگونه ایراد و اشکالی دارند، بدون ترس و واهمه مطرح کنند، هرچند بر محور نفی اسلام و حتی نفی توحید و الوهیت دور بزند.

۵. پیشوای بزرگ اسلامی باید از تمام مکتب‌ها آگاه باشد تا بتواند با منطق خود آن‌ها بر آن‌ها غلبه کند و حتی زبان‌های زنده دنیا را بداند.

۶. اتخاذ روش عقلانی در ترویج و تبلیغ دین، از مخالفان سرسخت اسلام، دوستان وفادار و دل‌باخته‌ای می‌سازد که دائم در مقابل هجوم افکار غیر اسلامی از اسلام عزیز دفاع می‌کنند.

خلاصه و نتیجه آنکه حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، مانند سایر ائمه علیهم السلام در نشر علوم و معارف دینی با سعه صدر و با استفاده از اصول و قوانین منطقی و عقلانی وارد بحث و دفاع و تبلیغ می‌شد و از این رو بر همه علمای و اندیشمندان دینی است که در تبادل اندیشه‌ها و نحله‌های مختلف فکری، همین رویه را پیش گیرند. باید به زبان‌های دنیا آشنا شوند تا بتوانند سخن خود را به جهانیان برسانند. از وسایل ارتباط جمعی برای رساندن پیام اسلام به سایر جوامع، بیشترین استفاده را ببرند و با پیشرفت زمان جلو بروند و از مشی منطقی و عقلانی خویش در دفاع از دین و تبلیغ آن غافل نشوند که این سیره و روش اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عربی، الفتوحات المکیه فی معرفه الاسرار المالکیه و الملکیه، بیروت: دارالحیا، بی تا.
۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، با مقدمه ابوالحسن شعرانی، قم: ادب الحوزه، بی تا.
۴. زمخشری، الکشاف، ج ۳، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷.
۵. آمدی تیممی، عبدالواحد بن محمد، شرح بارع جمال الدین محمد خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، با مقدمه و تصحیح و تطبیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
۶. حرانی، ابو محمد، تحف العقول، ج ۱، بی جا: آل علی، ۱۳۸۲.
۷. فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
۸. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، التوحید، قم: مکتب الصدوقی، ۱۳۸۷.
۹. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، عیون اخبار الرضا، قم: پیام علمدار، ۱۳۹۰.
۱۰. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، امالی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: کتابچی، ۱۳۷۰.
۱۱. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.
۱۲. صفری فروشانی، نعمت‌الله، «تحلیلی بر قیام‌های علویان در دوران امام رضا و ارتباط آن با ولایت‌عهدی»، مجله شیعه شناسی، س ۷، ش ۲۶، تابستان ۱۳۸۸.





۱۳. طبرسی، ابن منصور احمد بن علی، الاحتجاج، نجف: النعمان للطباعة و النشر، ۱۳۸۶.
۱۴. عطایی خراسانی، ع، پرتوی از زندگی امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام، چ ۱، مشهد: توس، ۱۳۴۹.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳.
۱۷. مرتضوی، سید محمد، نهضت کلامی در عصر امام رضا، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
۱۸. میرداداشی، سید مهدی، حدود ارتباط با کافران، قم: مرکز پژوهش‌های صداوسیما، ۱۳۸۳.